**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه169– 24 /06/ 1398 آیه 4 سوره طلاق / آیات عده /کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مورد عدد و آیات عده بود. آیات مرتبط با عده‌ی طلاق را بحث کردیم.

# آیه‌ی اولات الاحمال

فقط یک آیه در مورد عده‌ی طلاق باقی مانده که بحث شده آیا فقط در مورد طلاق است یا در مورد عده‌ی وفات نیز می باشد. سوره‌ی طلاق را از ابتدا پیش می رویم تا به آیه‌ی مد نظر برسیم:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لا يَخْرُجْنَ إِلاَّ أَنْ يَأْتينَ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لا تَدْري لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذلِكَ أَمْراً (1)

فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ أَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقيمُوا الشَّهادَةَ لِلَّهِ ذلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (2)

وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدْراً (3)

وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئي‏ لَمْ يَحِضْنَ ﴾

از اول تا اینجا آیاتی که در مورد عده است، در مورد عده‌ی طلاق می باشد. ذیل آیه‌ی 4 باقی مانده:

﴿وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً﴾

عده‌ی زنان حامله وضع حملشان است. اینکه این آیه در مورد حامله‌ی مطلقه هست بحثی نیست. بحث اینجاست که آیا آیه حامله‌ای را که شوهرش مرده است، شامل می شود یا نه.

# نظر جصاص در احکام القرآن ذیل آیه‌ی 234 بقره

جصاص در احکام القرآن این طور گفته است: «اختلفوا في عدة الحامل المتوفى عنها زوجها على ثلاثة أنحاء فقال على و هي إحدى الروايتين عن ابن عباس عدتها أبعد الأجلين یعنی زن حامله ای که شوهرش مرده است از بین چهار ماه و ده روز و مدت وضع حمل، هر کدام که بیشتر بود، عده اش می باشد. و قال عمر و عبد اللّه منظور عبدالله بن مسعود می باشد. ( به قرینه‌ی عبارتی که ذیل آیه‌ی 4 سوره‌ی طلاق آورده است) و زيد بن ثابت و ابن عمر و أبو هريرة في آخرين عدتها أن تضع حملها و روى عن الحسن أن عدتها أن تضع حملها و تطهر من نفاسها و لا يجوز لها أن تتزوج و هي ترى الدم و أما على فإنه ذهب إلى أن قوله تعالى أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً يوجب الشهور اینجا استدلالی از امام علی علیه السلام نقل می کند. مشخص نیست خودش این استدلال را برای امام علی می آورد یا نقل می کند که امام علی چنین استدلالی کرده است. بعید است نقل کند بلکه فتوای امام علی را این گونه توجیه می کند. محصل این توجیه این است که آیه‌ی 234 سوره‌ی بقره اقتضا می کند عده‌ی زنی که شوهرش فوت کرده چهار ماه و ده روز باشد، این آیه ( آیه‌ی 4 سوره طلاق) هم عده­ی چنین زنی را وضع حملش می داند. جمع بین این دو آیه این است که هر دو باشد یعنی ابعد الاجلین. و أما على فإنه ذهب إلى أن قوله تعالى أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً يوجب الشهور و قوله تعالى وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ يوجب انقضاء العدة بوضع الحمل فجمع بين الآيتين في إثبات حكمهما للمتوفى عنها زوجها و جعل انقضاء عدتها أبعد الأجلين من وضع الحمل أو مضى الشهور و قال عبد اللّه بن مسعود من شاء باهلته أن قوله تعالى وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ نزل بعد قوله أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً اهل سنت و از جمله عبدالله بن مسعود آیه‌ی 4 سوره‌ی طلاق ( اولات الاحمال) را ناسخ یا مخصص آیه‌ی 234 سوره‌ی بقره ( و الذین یتوفون ...) می دانند. اینکه عبدالله بن مسعود گفته مباهله می کنم که آیه‌ی 4 سوره‌ی طلاق بعد از آیه‌ی 234 سوره‌ی بقره نازل شده است به خاطر این است که در نسخ، ناسخ باید بعد از منسوخ بیان شود. طلاق ( اولات الاحمال مسعودشد یعنی ابعد الاجلین.ه 4 ماه و ده روز باشدن استدلالی کرده است.

جصاص می خواهد بگوید گرچه ظهور این آیه در عده‌ی طلاق است ( به قرینه‌ی اینکه از ابتدای سوره تا اینجا فقط در مورد عده‌ی طلاق صحبت شده) اما همه ( از جمله حضرت علی و ابن عباس فی احدی الروایتین) قبول دارند و اتفاق نظر وجود دارد که آیه‌ی 4 سوره‌ی طلاق ( اولات الاحمال) عام است یعنی هم مربوط به عده‌ی طلاق و هم مربوط به عده‌ی وفات است. از اینجا قصد دارد گریز بزند به رد قولی که از امام علی و ابن عباس نقل کرده است.

فحصل بما ذكرنا اتفاق الجميع على أن قوله تعالى وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ عام في المطلقة و المتوفى عنها زوجها و إن كان مذكورا عقيب ذكر الطلاق لاعتبار الجميع بالحمل في انقضاء العدة همه وضع حمل را معتبر می دانند. بعضی مثل مشهور عامه فقط وضع حمل را معتبر می دانند و بعضی هم علاوه بر وضع حمل، چهار ماه و ده روز را هم معتبر می دانند. در واقع همه مسلم می دانند که چهار ماه و ده روز به تنهایی کفایت نمی کند.

 لأنهم قالوا جميعا أن مضى الشهور ( چهار ماه و ده روز) لا تنقضي به عدتها إذا كانت حاملا حتى تضع حملها از اینجا شروع می کند به فتوای حضرت امیر پاسخ دهد.

# اشکال جصاص به فتوای حضرت امیر علیه السلام

فوجب أن يكون قوله تعالى وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ مستعملا على مقتضاه و موجبه و غير جائز اعتبار الشهور معه و يدل على ذلك أيضا عدة الشهور خاصة في غير المتوفى عنها زوجها و يدل عليه أيضا أن قوله تعالى وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ مستعمل في المطلقات غير الحوامل و أن الإقراء غير مشروطة مع الحمل في الحامل بل كانت عدة الحامل المطلقة وضع الحمل من غير ضم الإقراء إليها و قد كان جائزا أن يكون الحمل و الإقراء مجموعين عدة لها بأن لا تنقضي عدتها بوضع الحمل حتى تحيض ثلاث حيض فكذلك يجب أن تكون عدة الحامل المتوفى عنها زوجها هي الحمل غير مضموم إليه الشهور[[1]](#footnote-1)

زنی که حامله است و طلاق داده می شود، عده اش وضع حملش می باشد و سه ماه یا سه قرء در مورد او معتبر نیست. چطور در مورد حامله مطلقه جمع بین هر دو نمی کنید و قائل به ابعد الاجلین نمی شوید، پس در مورد عده‌ی وفات هم همین طور فتوا بدهید و فقط وضع حمل را معتبر بدانید. چرا در عده‌ی طلاق حامله، سه قرء را مطرح نمی کنید اما در عده‌ی وفات حامله چهار ماه و ده روز را مطرح می کنید. اگر در عده‌ی وفات چهار ماه و ده روز را مطرح می کنید در عده‌ی طلاق هم باید سه قرء یا سه ماه را مطرح کنید.

سپس سه روایت می آورد که با روایات آن ها کاری نداریم.

# عبارت جصاص ذیل آیه‌ی 4 سوره طلاق

باب عدة الحامل

قال اللّه تعالى وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ قال أبو بكر لم يختلف السلف و الخلف بعدهم أن عدة المطلقة الحامل أن تضع حملها و اختلف السلف في عدة الحامل المتوفى عنها زوجها فقال على و ابن عباس تعتد الحامل المتوفى عنها زوجها آخر الأجلين و قال عمر و ابن مسعود و ابن عمر و أبو مسعود البدري و أبو هريرة عدتها الحمل فإذا وضعت حلت للأزواج و هو قول فقهاء الأمصار قال أبو بكر روى إبراهيم عن علقمة عن ابن مسعود قال من شاء لا عنته ما نزلت وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ إلا بعد آية المتوفى عنها زوجها قال أبو بكر قد تضمن قول ابن مسعود هذا معنيين أحدهما إثبات تاريخ نزول الآية و أنها نزلت بعد ذكر الشهور للمتوفى عنها زوجها و الثاني أن الآية مكتفية بنفسها في إفادة الحكم على عمومها غير مضمنة بما قبلها من ذكر المطلقة فوجب اعتبار الحمل في الجميع من المطلقات و المتوفى عنهن أزواجهن و أن لا يجعل الحكم مقصورا على المطلقات لأنه تخصيص عموم بلا دلالة و يدل على أن المتوفى عنها زوجها داخلة في الآية مرادة بها اتفاق الجميع على أن مضى شهور المتوفى عنها زوجها لا يوجب انقضاء عدتها دون وضع الحمل فدل على أنها ( متوفی عنها زوجها) مرادة بها (آیه اولات الاحمال) فوجب اعتبار الحمل فيها دون غيره و لو جاز اعتبار الشهور لأنها مذكورة في آية أخرى لجاز اعتبار الحيض مع الحمل في المطلقة لأنها مذكورة في قوله تعالى وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ و في سقوط اعتبار الحيض مع الحمل دليل على سقوط اعتبار الشهور مع الحمل[[2]](#footnote-2)

# نظر استاد

بحث ما اینجا در مورد این آیه صرف نظر از روایات است. در روایات متعدد آمده است که عده‌ی وفات حامله ابعد الاجلین است. یکی دو روایت معارض دارد که در مورد آن ها بحث خواهیم کرد.

اینکه حضرت امیر ابعد الاجلین را از آیه‌ی 4 سوره‌ی طلاق نتیجه گرفته اند، روشن نیست. استدلالی هم که جصاص برای حضرت امیر ذکر کرد، ظاهرا توجیهی است که خودش برای فتوای حضرت آورده است.

حرف جصاص این بود که چرا در عده‌ی طلاق حامله به وضع حمل اکتفا می کنید اما در مورد عده‌ی وفات حامله به وضع حمل اکتفا نمی کنید و ابعد الاجلین را در نظر می گیرید.

این کلام جصاص به خاطر عدم توجه به این مطلب است که نکته ای که در عده‌ی طلاق است با نکته ای که در عده‌ی وفات است، فرق می کند. عده‌ی طلاق در مورد دختر بچه‌ی نابالغ وجود ندارد. همچنین در مورد زن غیر مدخوله و زن یائسه هم عده‌ی طلاق وجود ندارد. عده‌ی طلاق در محدوده‌ی خاصی وجود دارد و نشان دهنده‌ی این است که عده‌ی طلاق به جهت عدم اختلاط میاه است. اما در مورد وفات، زن یائسه، زن غیر مدخوله و دختر صغیره هم باید عده‌ی وفات نگه دارند. این عده به جهت احترام شوهر سابق است. اگر این زن حامله باشد به احترام بچه ای که در شکم دارد باید تا وضع حمل عده نگه دارد تا آب شوهر جدید روی این بچه ریخته نشود و بچه از آب شوهر جدید تغذیه نکند. پس در مورد زن حامله ای که شوهرش فوت کرده است دو نکته وجود دارد یکی احترام شوهر که اقتضا می کند چهار ماه و ده روز عده نگه دارد و یکی هم احترام بچه که اقتضا می کند تا وضع حمل عده نگه دارد. آیه هم اولات الاحمال تعبیر کرده است ( نه حامل) که اشاره به نکته‌ی حکم است. یعنی به خاطر حملی که هست باید تا وضع حمل صبر کنند.

نتیجه اینکه قیاس عده‌ی طلاق با عده‌ی وفات صحیح نیست.

1. أحكام القرآن (الجصاص)، ج‏2، ص: 119 و 120 [↑](#footnote-ref-1)
2. أحكام القرآن (الجصاص)، ج‏5، ص: 35 [↑](#footnote-ref-2)